

شبیه‌سازی یک الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای با رویکرد بهسازی نظام بازنشتگی ایران

مجید دشتبان فاروجی^۱ دکتر سعید صمدی^۲ دکتر رحیم دلای اصفهانی^۳
دکتر مجید فخار^۴ دکتر مهنوش عبدالله میلانی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۳۱

چکیده

ظرفیت بالای الگوهای نسل‌های همپوشان در تجزیه و تحلیل و شبیه‌سازی زمینه‌های مختلف اقتصاد نظیر بررسی سیاست‌های رشد درون‌زا، توسعه‌ی معیار عدالت بین نسلی، بهسازی نظام تأمین اجتماعی و غیره سبب شده است که در دهه‌های اخیر این الگوها از جایگاه ویژه‌ای در میان اقتصاددانان برخوردار شوند. متأسفانه مشکل موجود در زمینه‌ی کمی کردن این الگوها و تجزیه و تحلیل خواص پایدار آنها سبب شده که این الگوها بیشتر در حد نظری باقی بمانند.

مقاله‌ی حاضر با به کارگیری روش پیشنهادی کوتلیکوف و آیورباخ در برآورد الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای و با توجه به نارسایی‌های موجود در نظام بازنشتگی ایران، در چارچوب یک الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای با افراد ناهمگن به تحلیل و شبیه‌سازی نظام بازنشتگی می‌پردازد تا از این رهگذر بتوان اثرات انتقال از نظام بازنشتگی پرداخت جاری به نظام بازنشتگی اندوخته‌ی کامل را بر فرایند انباشت سرمایه، تولید ملی، مصرف ملی و غیره مورد مطالعه قرار دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رفتار مصرف- پس‌انداز بهینه‌ی فردی تحت نظام‌های تأمین اجتماعی مختلف تغییر می‌کند. نتایج حاصل از شبیه‌سازی الگو حاکی از آن است که نظام بازنشتگی اندوخته‌ای، علاوه بر افزایش دارایی‌های مالی فردی برای اقتصاد، انباشت سرمایه فیزیکی بالاتری را نسبت به نظام بازنشتگی پرداخت جاری به همراه دارد. همچنین انتقال به نظام بازنشتگی جدید علاوه بر سطوح بالاتر مصرف ملی و تولید ملی سبب شده است که افراد به دلیل برخورداری از درآمد نیروی کار بالاتر در مقایسه با نظام بازنشتگی قدیم انگیزه‌ی بیشتری برای ماندن در بازار کار و کامل کردن دوران خدمت خود داشته باشند.

JEL: E22, G23, J24, H54

واژه‌های کلیدی: تأمین اجتماعی، سرمایه انسانی، کسورات بازنشتگی، انباشت سرمایه

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان Email: majiddashtbanf@gmail.com

۲- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان Email: samady@ase.ui.ac.ir

۳- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان Email: dallali@ase.ui.ac.ir

۴- دانشیار گروه ریاضی دانشگاه اصفهان Email: fakhar@sci.ui.ac.ir

۵- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی Email: m2milani@yahoo.com

۱- مقدمه

در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ تقریباً دو رویکرد مجزا برای مطالعه پدیده‌های کلان اقتصادی وجود داشت: تئوری تعادل عمومی و اقتصاد کلان کینزی^۱. گرچه هر دو رهیافت پدیده‌های کلان اقتصادی را توضیح می‌دهند، اما تفاوت عمده بین زوایایی است که هر یک از روش‌ها با اتکا آن اتکا به شروع می‌شوند. قیمت‌های انعطاف‌پذیر و تسویه‌ی بازار، هسته‌ی تئوری تعادل عمومی را شکل می‌دهند، درحالی‌که بیکاری غیرارادی و تقاضای مؤثر، مفاهیم مهمی در اقتصاد کلان کینزی هستند. سنتز نئوکلاسیک سعی کرد، تئوری تعادل عمومی و اقتصاد کلان کینزی را با ارائه‌ی قلمرو و کاربردی شدنشان آشتی دهد. اقتصاد کلان کینزی با فرض چسبندگی دستمزدهای پولی، توصیف دقیقی از اقتصاد در کوتاه‌مدت ارائه می‌دهد، درحالی‌که تئوری تعادل عمومی به روندهای بلندمدت اقتصاد می‌پردازد.

در دهه‌های اخیر الگوهای اقتصاد کلان مبتنی بر بنیان‌های خرد در چارچوب الگوهای تعادل عمومی پویا با انتظارات عقلایی درباره آینده تدوین شده‌اند (Docquier et al, 2004). دو گروه مدل‌سازی از این ادبیات پدیدار می‌شود: الگوی افق نامحدود کاس-کوپمنس-رمزی^۲ و الگوی نسل‌های همپوشان آلیس-ساموئلسون-دیاموند^۳. الگوهای نسل‌های همپوشان طی دوره‌ی زمانی مطرح شدند. اولین آنها الگوهای دو دوره‌ای بودند که عمدتاً قبل از ۱۹۸۰ توسط آلیس، ساموئلسون و دیاموند مطرح شدند. اما دسته‌ی دوم این الگوها، الگوهای ۵۵ دوره‌ای هستند که اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ توسط آیورباخ و کوتلیکوف ارائه گردیدند^۴. با توجه به ظرفیت بالای الگوهای نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره، موضوعات مهمی نظیر الزامات اقتصادی شوک‌های جمعیتی، اثرات انتقالات عمومی، بهسازی‌های مالیاتی، بهسازی‌های نظام تأمین اجتماعی، بررسی سیاست‌های رشد درون‌زا، توسعه معیار عدالت بین نسلی، تبعات محیطی رشد، پایداری سیاسی مداخله دولت و مواردی دیگر را می‌توان در قالب این الگوها تجزیه و تحلیل و شبیه‌سازی کرد.

در مقاله‌ی حاضر، شبیه‌سازی الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای با رویکرد بهسازی نظام بازنشتگی ارائه می‌شود.

نظام‌های بازنشتگی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته از بزرگ‌ترین نهادهای اقتصادی غیربانکی

۱- وجود یک نقطه تعادل عمومی به‌وسیله‌ی ارو-دبرو (Arrow-Debreu 1954) و چارچوب IS-LM به‌وسیله‌ی هیکس (Hicks 1973) مطرح شد.

2 - Cass-Koopmans-Ramsey

3 - Allias-Samuelson-Diamond

۴- برای آشنایی با الگوهای نسل‌های همپوشان دو دوره‌ای به فصل سوم بلانچارد-فیشر، ترجمه‌ی ختایی-محمدی و فصل دوم رومر، ترجمه‌ی تقوی و برای بهره‌مندی از بحثی مفصل درباره‌ی الگوهای نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای به، (Auerbach and Kotlikoff 1987) مراجعه شود.

محسوب می‌شوند. نظام‌های بازنشتگی می‌توانند افزون بر تضمین رفاه اجتماعی به ویژه در دوران سالخوردگی، عاملی مؤثر برای رشد و توسعه اقتصادی باشند. در این قبیل کشورها، معمولاً برای بهینه‌سازی و بهینه نگهداری نظام‌های بازنشتگی به‌منظور تضمین رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی اقدامات گوناگونی صورت می‌گیرد.

متأسفانه در ایران در دهه‌های گذشته به این مقوله توجه چندانی نشده است. در ایران به‌دلیل نوع ساختار و ماهیت نهادهای بازنشتگی (که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود)، گذر آنها از نقطه‌ی سربه‌سری به‌علت بروز موازنه‌ی منفی و تغییرات هرم جمعیتی که مبین سرعت در افزایش تعداد سالمندان کشور است، این فرصت از دست رفته است و با توجه به مکانیسم تأمین مالی کسری وجوه مستمری‌های پرداختی از طریق بودجه‌ی عمومی دولت، بخشندگی سیستم‌ها در برخی از زمینه‌ها و نیز پیگیری سیاست‌هایی نظیر بازنشتگی پیش از موعد، موجب شده که صندوق‌های بازنشتگی نه تنها قادر به ایفای نقش مؤثر در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها نباشند، بلکه به‌دلیل نیاز به تأمین مالی از بودجه‌ی عمومی، بخشی از توان دولت در این زمینه را نیز کاهش دهند (قاسمی، ۱۳۸۸).

از این رو، با توجه به نارسایی‌های نوع ساختار نظام بازنشتگی ایران و نقش تحولات جمعیتی در عدم پایداری مالی صندوق‌های بازنشتگی، شبیه‌سازی الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای در قالب بهسازی نظام بازنشتگی تجزیه و تحلیل می‌شود. این مطالعه در پنج بخش ارائه می‌شود. بعد از مقدمه، بخش دوم به ادبیات تحقیق اعم از تعریف و مرور مطالعات انجام شده در این زمینه خواهد پرداخت. در بخش سوم، مبانی نظری الگوی مطروحه مدنظر قرار گرفته و بخش چهارم به یافته‌های تحقیق اختصاص دارد که شامل حل عددی الگوی ساخته شده بر اساس اطلاعات اقتصادی ایران با استفاده از تکنیک کالیبره کردن^۱ می‌باشد و در نهایت بخش پنجم به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات اجرایی و سیاستی می‌پردازد.

۲- ادبیات موضوع

یکی از ابزارهای نهاد تأمین اجتماعی جهت بازتوزیع در آمد، نظام‌های بازنشتگی هستند. امروزه نظام‌های بازنشتگی بر اساس ماهیت خود، نه تنها مؤثرترین عامل در چگونگی عملکرد نظام‌های تأمین اجتماعی به شمار می‌روند، بلکه برای غالب کشورها از بزرگ‌ترین بنیادهای مالی غیربانکی محسوب می‌شوند. از آنجا که نظام‌های

بازنشتگی از نوع نظام های باز هستند و عوامل بیرونی نظام (شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه) بر چگونگی عملکرد آن مؤثر است از این رو، موفقیت یک نظام بازنشتگی را نمی توان فقط در ویژگی ها و نسبت های عناصر درونی نظام جستجو کرد. بنابراین، در اینجا ضروری به نظر می رسد که به طور مختصر انواع نظام های بازنشتگی رایج در دنیا تعریف و ویژگی های هر یک تشریح گردد:

۲-۱- نظام بازنشتگی بر اساس حقوق تعریف شده^۱

در این نظام بازنشتگی، برقراری حقوق بازنشتگی بر اساس حقوق دوران اشتغال معمولاً میانگین سال های آخر خدمت و در مواردی با اعمال ضریبی خاص و با لحاظ شدن سال های پرداخت کسور بازنشتگی محاسبه می شود. تمامی نظام های بازنشتگی نیازمند روشی برای تأمین منابع مالی جهت مصارف خود هستند. تأمین منابع مالی در نظام حقوق تعریف شده به طور عمده توسط کسورات بازنشتگی تحقق می یابد. بدین مفهوم که کسورات بازنشتگی شاغلین در یک نسل، صرف پرداخت حقوق بازنشتگی نسل قبل می گردد. این شیوهی تأمین منابع مالی در نظام های بازنشتگی روش پرداخت جاری^۲ نامیده می شود. از این رو، نظام DB را اصطلاحاً DB-PAYG نامگذاری کرده اند (نیرومند، ۱۳۸۶). مدیریت این نظام نیز معمولاً دولتی است. برتری های این نظام را می توان به این صورت برشمرد:

۱- ریسک سرمایه گذاری و تأثیر نابسامانی های اقتصادی حاصل از آن بر الگوی DB-PAYG در مقایسه با سایر نظام های بازنشتگی کمتر است. به بیان دیگر، تأثیر منفی این مسائل به طور مستقیم متوجه بیمه شدگان نیست.

۲- چون نظام DB-PAYG در بسیاری از موارد دولتی است؛ از این رو برای حمایت از اقشار کم درآمد، معمولاً حداقل حقوقی لحاظ می شود.

برخی معایب این نظام نیز عبارتند از:

۱- چون محاسبه ی حقوق بازنشتگی بر اساس کسور پرداخت شده انجام نمی یابد؛ از این رو، برخورد نظام پرداخت جاری با مشترکین خود، منصفانه نیست.

۲- چون کسور بازنشتگی ذخیره نمی شود؛ از این رو، نظام پرداخت جاری فاقد انباشت سرمایه در

1 - Defined Benefit (DB)

2 - Pay-As-You-Go (PAYG)

حد کلان و رشد اقتصادی است.

۳- این نظام در کشورهایی که دارای تورم شدید هستند یا در دورانی خاص که تغییرات ناگهانی در اقتصاد آنها پدیدار می‌شود، بسیار شکننده است.

۴- افزایش امید به زندگی، افزایش مصارف را در نظام پرداخت جاری به همراه خواهد داشت و چون با گذشت زمان نسبت جمعیت سالخورده به کل جمعیت فزونی می‌یابد بنابراین با گذشت زمان، کارایی نظام پرداخت جاری کمتر و کمتر خواهد شد. همچنین در مواردی که نرخ رشد جمعیت سالخورده نسبت به نرخ رشد جمعیت فعال تحت پوشش فزونی می‌یابد، نظام پرداخت جاری با بحران مالی روبه‌رو خواهد شد (روغنی زاده، ۱۳۸۴).

۲-۲- نظام بازنشستگی بر اساس کسور تعریف شده^۱

در این نظام بازنشستگی، حقوق بازنشستگی بر اساس میزان کسور پرداخت شده در سال‌های خدمت با در نظر گرفتن سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها و یا نرخ تورم محاسبه می‌شود. تأمین منابع مالی در نظام کسور تعریف شده ممکن است به صورت اندوخته‌ی کامل^۲ و یا به صورت پرداخت جاری باشد (نیرومند، ۱۳۸۶).

۲-۲-۱- نظام بازنشستگی DC-FF

در این نظام، کسورات بازنشستگی پرداختی افراد در حساب‌های شخصی آنها ثبت و روی کسور جمع-آوری شده توسط مدیریت صندوق، سرمایه‌گذاری شده و در آغاز بازنشستگی سهم هر فرد از منابع موجود مشخص می‌شود. اندوخته‌ی هر فرد در آغاز بازنشستگی، به صورت یکجا و یا به صورت تدریجی پرداخت می‌گردد (Sun, 2007). مدیریت در این نظام بازنشستگی ممکن است دولتی و یا خصوصی باشد. در زیر به برخی برتری‌های این نظام در قیاس با نظام DB-PAYG اشاره می‌شود:

۱- چون بهره‌مندی بازنشسته از مزایای بازنشستگی متناسب با کسور پرداخت شده وی است؛ از این رو، عملکرد نظام منصفانه تلقی می‌شود.

۲- چون کسور پرداخت شده در حساب بیمه شده ثبت و میزان اندوخته‌ی ذی نفع با گذر زمان در اثر

1 - Defined Contribution (DC)

2 - Full Funded (FF)

سرمایه گذاری افزایش می یابد؛ از این رو انگیزه ی فرد برای پرداخت کسور بازنشتگی و کامل نمودن دوران خدمت افزایش می یابد.

۳- در نظام بازنشتگی اندوخته ی کامل، امکان تقویت انباشت سرمایه وجود دارد که می تواند باعث رشد اقتصادی شود.

۴- تغییرات جمعیتی نظیر کاهش یا قطع ورودی ها که در نظام پرداخت جاری بسیار بحران زا است، در نظام اندوخته ی کامل بی تأثیر است (روغنی زاده، ۱۳۸۴).

معایب این نظام نیز به قرار زیر است:

۱- هر چند بازدهی سرمایه گذاری در این نظام بالاتر از DB-PAYG است، اما ریسک سرمایه گذاری در DC-FF مستقیماً متوجه بیمه شدگان است.

۲- اگر ساختار DC-FF به گونه ای طراحی شود که برای اقشار کم درآمد، حداقلی لحاظ نشود و افراد کم درآمد هم فاقد پس انداز باشند، در این صورت افراد کم درآمد در این نوع نظام بازنشتگی آسیب پذیر خواهند بود.

۲-۲-۲- نظام بازنشتگی DC-PAYG

در این نظام بازنشتگی، پرداخت حقوق بازنشتگی بر اساس حق بیمه اما تأمین منابع مالی نظام به صورت PAYG است. بدین معنا که هرچند کسور بازنشتگی افراد در حساب های شخصی آنها ثبت می شود؛ اما کسور جمع آوری شده به جای انباشته شدن و سرمایه گذاری روی آنها، صرف پرداخت حقوق بازنشتگان می شود (نیرومند، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که مدیریت این نظام در بیشتر موارد در اختیار بخش خصوصی است.

در ایران ۱۸ صندوق بازنشتگی بیمه ای وجود دارد که تمامی آنها براساس نظام سنتی پرداخت جاری اداره می شوند. تمامی نارسایی های یاد شده در مورد نظام پرداخت جاری، درباره ی صندوق های بازنشتگی ایران به شدت مصداق دارد و هیچ بهسازی قابل توجه ای به جز افزایش کسور به منظور کاهش تأثیر عوامل منفی درون یا برون نظام انجام نیافته است. این امر باعث شده که کسور بازنشتگی صندوق های ایران یکی از بالاترین نرخ ها را نسبت به سایر کشورهایی که نظام بازنشتگی آنها براساس پرداخت جاری اداره می شود، داشته باشد. از طرف دیگر چون در نظام پرداخت جاری، پرداخت حقوق بازنشتگی براساس میانگین حقوق سال های آخر خدمت محاسبه می شود و نه براساس کسور پرداخت شده و از آنجا که داشتن مدرک تحصیلی در نظام استخدامی عاملی مؤثر در میزان حقوق است از این رو، کارکنان غالب دستگاه ها

و نهادها با مجوزهایی سعی بر گرفتن مدرک تحصیلی بالاتر در سال‌های آخر خدمت برای برخورداری از حقوق بازنشستگی بیشتر (بدون پرداخت کسور آن) می‌کنند که تأثیر منفی این واقعیت بر ثبات صندوق‌ها هر روز افزایش می‌یابد. براساس بررسی‌های انجام شده برای غالب صندوق‌ها، مصارف بر منابع فزونی گرفته و بررسی روندهای تأثیرگذار، حاکی از آن است که در آینده‌ای نه چندان دور برای سایر صندوق‌ها، افزون شدن مصارف بر منابع اتفاق خواهد افتاد (روغنی زاده، ۱۳۸۴).

۲-۳- مطالعات انجام شده

مشکل موجود در کمی کردن الگوهای نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای و مسائل مربوط به آن سبب شده است که مطالعات تجربی فراوانی در این باره صورت نگیرد. در راستای رویکرد مطرح شده در این مقاله، به معرفی برخی مطالعات انجام شده در خصوص بهسازی نظام‌های تأمین اجتماعی خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که بیشتر مطالعاتی که در ذیل مطرح خواهد شد، در قالب الگوی نسل‌های همپوشان دو دوره‌ای است. مطالعات بسیاری خواص نظام‌های تأمین اجتماعی را بررسی کرده‌اند. برای مثال، فلدستین^۱، هابرد و دیگران^۲ با استفاده از الگوهای سیکل زندگی نتیجه گرفتند که معرفی نظام تأمین اجتماعی غیر اندوخته‌ای در موقعیت‌های فاقد تأمین اجتماعی پس‌انداز خصوصی را کاهش می‌دهد. محققان دیگری نظیر فلدستین و سام ویک^۳، دیاموند و میرلس^۴ نشان دادند که نظام‌های بازنشستگی ممکن است سبب تغییر شکل عرضه‌ی نیروی کار گردند. در این راستا دیاموند چهار اثر مهم را مطرح کرد: افزایش درآمد، بازتوزیع درآمد، تصحیح نارسایی‌های بازار و پدرسالاری^۵. نارسایی‌های بازار، فقدان بیمه در مقابل خطرات مرتبط با بازنشستگی را شامل می‌شود. در رابطه با مقوله، پدرسالاری، وی نشان داد که به‌دلیل وجود خطاهای پیش‌بینی یا تصمیمات غیرعقلایی، افراد برای دوره، بازنشستگی به اندازه، کافی پس‌انداز نمی‌کنند. ارو^۶ بهسازی تأمین اجتماعی، انباشت سرمایه و اثر توزیع بین نسلی را در چارچوب الگوی نسل‌های همپوشان برای اقتصاد مکزیک مورد مطالعه قرار داد. وی با استفاده از یک الگوی شبیه‌سازی پویای نوکلاسیکی، اثر

1 - Feldstein, (1974)

2 - Hubbard et. al, (1995)

3 - Feldstein & Samwick, (1992)

4 - Diamond & Mirrless, (1978)

5 - Paternalism

6 - Arrau

اقتصاد کلان و توزیع بین نسلی تغییر از نظام تأمین اجتماعی پرداخت جاری به نظام اندوخته، کامل را بررسی کرد.^۱ وی الگو را با استفاده از داده های اقتصاد مکزیک مورد توجه قرار داد و به نتایج زیر رسید:

۱- با مقایسه، موارد تأمین مالی انتقال به یک نظام اندوخته، کامل، می توان عملکرد موارد تأمین مالی را در رابطه با انباشت سرمایه از بهتر به بدتر و با توجه به اهمیت بدهی ملی لحاظ شده برای تأمین مالی انتقال، رتبه بندی کرد.

۲- بهترین راه سنجش بهسازی یک قرارداد بین نسلی مانند نظام پرداخت جاری، حداقل کردن توزیع بین نسلی است. در چنین شرایطی بهترین طرح برای تأمین مالی انتقال و کسری تأمین اجتماعی نیازمند به مقوله ی بدهی ملی برای شناسایی اوراق بهادار است. کسری تأمین اجتماعی به این دلیل روی می دهد که با بهسازی نظام تأمین اجتماعی، دولت درآمد حاصل از کسورات را از دست داده و بایستی حقوق های بازنشتگی به افراد بازنشسته را در هنگام بهسازی بپردازد.

لنگونی^۲ در سال ۱۹۹۷ نقش تأمین اجتماعی را روی توزیع درآمد، انباشت سرمایه و رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی نسل های همپوشان دو دوره ای با افراد ناهمگن برای اقتصاد برزیل مورد مطالعه قرار داد. مشخصه ی کلیدی الگوی وی معرفی صریح دولت و سیاست مالی است و ناهمگنی نیز به وسیله ی توانایی های مختلف در میان افراد و انگیزه های ارث، غیر منفی توضیح داده می شود. مطالعه ی وی نشان می دهد که تحت سیاست های باز توزیع معین اتخاذ شده به وسیله ی دولت، نظام پرداخت جاری به نابرابری درآمد بیشتر و عملکرد اقتصادی بدتر نسبت به نظام اندوخته کامل منجر می شود.

سرانو^۳ در پژوهشی تحت عنوان بهسازی تأمین اجتماعی، توزیع درآمد، سیاست مالی و انباشت سرمایه با استفاده از یک الگوی نسل های همپوشان با افراد ناهمگن نشان می دهد که چگونه یک تغییر از نظام تأمین اجتماعی پرداخت جاری به نظام تأمین اجتماعی اندوخته ی کامل، توزیع درآمد، سیاست مالی و انباشت سرمایه را تحت تأثیر قرار می دهد. نتایج مطالعه ی وی مؤید این نکته است که وقتی برای برخی افراد محدودیت دسترسی به نهادهای مالی وجود دارد، خصوصی سازی نظام بازنشتگی، توزیع درآمد را بهبود می بخشد. همچنین مطالعه ی وی حاکی از آن است که بدون توجه به توزیع های اولیه، بهسازی نظام تأمین

۱- توجه کنید که این الگوی پویای نئوکلاسیکی یک الگوی تعمیم یافته ۵۵ دوره ای است که حالت خاصی از الگوی کوتلیکوف و آیورباخ می باشد. برای بهره گیری از بحثی مفصل درباره ی این الگوها به، (Auerbach and Kotlikoff (1987 مراجعه شود.

2 - Langoni, (1997)

3 - Serrano, (1999)

اجتماعی سطح سرمایه فیزیکی اقتصاد را افزایش می‌دهد.

سان^۱ در پژوهشی تحت عنوان تحلیل تعادل عمومی و شبیه‌سازی نظام تأمین اجتماعی چین در قالب یک الگوی نسل‌های همپوشان با استفاده از افراد همگن نشان می‌دهد که رفتار مصرف - پس انداز بهینه‌ی فردی و سطح مطلوبیت طول عمر تحت نظام‌های تأمین اجتماعی مختلف، متفاوت است.

سردا^۲ به بررسی بهسازی نظام بازنشستگی شیلی - که در سال ۱۹۸۱ به‌وقوع پیوسته است - می‌پردازد. برای این منظور، وی یک سناریوی مجازی^۳ از اقتصاد شیلی تحت نظام بازنشستگی پرداخت جاری ارائه کرده و این سناریو را با داده‌های مؤثر به‌دست آمده تحت نظام حساب شخصی مقایسه می‌کند. نتایج مطالعه‌ی وی کسری‌های مالی قابل توجه در نظام پرداخت جاری، پوشش نسبتاً پایین بازنشستگی و مزایای نسبتاً کم را در مقایسه با نظام حساب شخصی نشان می‌دهد.

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه در چارچوب مورد نظر، تاکنون پژوهشی در کشور انجام نشده است.

۱- تصریح الگو

شالوده الگویی که در این قسمت مطرح می‌شود، متفاوت از الگوی آیورباخ-کوتلکوف (۱۹۸۷) نیست. البته برتری مقاله‌ی حاضر این است که علاوه بر لحاظ کردن احتمال زنده بودن افراد در هر لحظه از زمانی، الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای را تحت جوامع با دو نوع نظام بازنشستگی پرداخت جاری و اندوخته کامل به کار می‌گیرد. از این رو، با در نظر گرفتن ساختارهای هر یک از این دو نظام بازنشستگی و نحوه‌ی بازپرداخت کسورات بازنشستگی بین افراد بازنشسته می‌توان الگوی نسل‌های همپوشان را با توجه به ویژگی‌های هر نظام بازنشستگی فرموله کرد. از این رو، یک الگوی نسل‌های همپوشان ۵۵ دوره‌ای اقتصاد بسته با سه بخش خانوارها، بنگاه‌ها و دولت در نظر گرفته می‌شود.^۴

۱-۳- رفتار خانوار

مشخصه‌ی اصلی الگوهای نسل‌های همپوشان این است که افراد با وجود پیش‌رو داشتن افق نامحدود

1 - Sun, (2007)

2 - Cerda, (2007)

3 - Countra-Factual

۴- الگوی مطرح شده در این مقاله برگرفته از الگوی آیورباخ-کوتلکوف (۱۹۸۷) و دوکیور-لیگوس (۲۰۰۴) است. البته طراحی الگو در قالب نظام‌های بازنشستگی توسط محققان انجام شده است.

اقتصاد، مطلوبیت شان را روی یک طول عمر محدود، حداکثر می رسانند. فرض می شود که افراد بلافاصله بعد از تولد شروع کار کرده و برای ۵۵ دوره زندگی می کنند، این امر معادل آن است که عنوان شود، افراد از سن ۲۱ سالگی شروع به کار کرده در سن ۵۰ سالگی بازنشسته می شوند و نهایتاً ۷۵ سال زندگی می کنند. از این رو، در هر دوره ی زمانی معین ۵۵ نسل مختلف زنده حضور خواهد داشت. فرض می شود هر فرد در هر لحظه از زمان با احتمال زنده بودن P_j مواجه است که تابعی کاهنده از سن است.

تابع مطلوبیت انتظاری یک عضو نسل t به دنباله ی انتظاری وی از مخارج مصرفی سالانه و مقدار زمان اختصاص داده شده به استراحت بستگی دارد. به منظور لحاظ کردن رشد بهره وری برونزا، فرض می شود که کارایی نیروی کار کارگران $H_{j,t}$ با نرخ x رشد می کند. یک روش مناسب برای تضمین وجود رشد متعادل پایدار این است که فرض شود، مطلوبیت ناشی از استراحت به طور متناسبی با کارایی نیروی کار افزایش می یابد. با فرض تصریح یک تابع مطلوبیت CES آشیانی^۱ داریم:

$$E(U_t) = \frac{1}{1 - \frac{1}{\nu}} \sum_{j=1}^{55} \frac{P_j}{(1+\delta)^{j-1}} \left[c_{j,t+j-1}^{\frac{1-\frac{1}{\rho}}{\rho}} + \gamma_j (H_{j,t+j-1} l_{j,t+j-1})^{\frac{1-\frac{1}{\rho}}{\rho}} \right]^{\frac{1-\frac{1}{\nu}}{1-\frac{1}{\rho}}} \quad (۱)$$

در اینجا $c_{j,t+j-1}$ و $l_{j,t+j-1}$ معرف تقاضای مصرفی و استراحت در سن j و در دوره $t+j-L$ است، γ_j نرخ ترجیح استراحت در سن j را اندازه گیری می کند و δ نرخ ترجیح زمانی، ν کشش جانشینی بین دوره های ρ کشش جانشینی درون دوره ای است. تحت فرض پیش بینی کامل، مسأله ی بهینه یابی مصرف کننده عبارت است از: حداکثر کردن مطلوبیت طول عمر نسبت به محدودیت بودجه بین دوره ای با الزام به اینکه ارزش تنزیل شده مخارج طول عمر با ارزش تنزیل شده ی درآمد طول عمر مساوی باشد، یعنی:

$$\pi_{j,t+j-1} [w_{t+j-1} (1-\tau_{t+j-1})(1-\tau_s) H_{j,t+j-1} (1-l_{j,t+j-1}) + PE_{j,t+j-1} + TR_{j,t+j-1}] = \sum_{j=1}^{55} \pi_{j,t+j-1} c_{j,t+j-1} \quad (۲)$$

در اینجا $\pi_{j,t+j-1}$ در آمد و مخارج را در سن j تنزیل می کند، به طوری که:

$$\pi_{j+1,t+j} = \frac{\pi_{j,t+j-1}}{1+r_{t+j}(1-\tau_{t+j})}, \quad \pi_{1,t} = 1$$

W_{t+j-1} نرخ دستمزد بر حسب واحد کارایی نیروی کار است، $TR_{j,t+j-1}$ تمامی انتقالات دولت به اعضای سن j را شامل می‌شود، τ_{t+j-1} و τ_s به ترتیب نرخ مالیات بر درآمد و نرخ مالیات تأمین اجتماعی هستند و بالاخره $PE_{j,t+j-1}$ معرف حقوق بازنشستگی دریافت شده‌ی فرد در سن j است. برای سهولت فرض می‌شود، این میزان حقوق بازنشستگی به نوع فرد بستگی ندارد. توجه کنید که هر فرد در طول سال‌های کاری، دستمزد و پرداخت‌های بازنشستگی را فقط در طول سال‌های بازنشستگی دریافت می‌کند.

اگر دوران کامل خدمت ۳۰ سال در نظر گرفته شود، چنین روابطی برقرار است:

$$PE_{j,t+j-1} = 0 \quad j = 1, \dots, 30$$

$$H_{j,t+j-1} = 0 \quad j = 31, \dots, 55$$

در واقع محدودیت بودجه فرد بیان می‌دارد که مجموع تنزیل شده مخارج مساوی با مجموع تنزیل شده درآمد است. این بدان معناست که ثروت فرد بایستی در انتهای حداکثر طول عمر وی صفر باشد. با فرض اینکه ثروت فرد در ابتدای سن j ، $a_{j,t+j-1}$ باشد جواب مسأله‌ی حداکثرسازی برای نسل t به وسیله‌ی مجموعه معادلات زیر توصیف می‌شود:

$$\left(\frac{c_{j+1,t+j}}{c_{j,t+j-1}} \right)^{\frac{1}{\rho}} = \frac{P_{j+1}}{P_j} \frac{1+r_{t+j}(1-\tau_{t+j})}{1+\delta} \left[\frac{1+\gamma_{j+1} Z_{j+1,t+j}^{\rho-1}}{1+\gamma_j Z_{j,t+j-1}^{\rho-1}} \right]^{\frac{\frac{1}{\rho} - \frac{1}{\rho}}{\frac{1}{\rho} - \frac{1}{\rho}}} \quad (3)$$

$$\text{که در اینجا} \quad Z_{j+1,t+j}^{\rho} = \frac{H_{j+1,t+j} l_{j+1,t+j}}{c_{j+1,t+j}} \quad \text{و} \quad Z_{j,t+j-1}^{\rho} = \frac{H_{j,t+j-1} l_{j,t+j-1}}{c_{j,t+j-1}}$$

$$l_{j,t+j-1} = \frac{c_{j,t+j-1} Z_{j,t+j-1}^{\rho}}{H_{j,t+j-1}}, \quad l_{j+1,t+j} = \frac{c_{j+1,t+j} Z_{j+1,t+j}^{\rho}}{H_{j+1,t+j}} \quad (4)$$

با حل شرایط مرتبه‌ی اول حداکثرسازی و انجام برخی محاسبات خواهیم داشت:

$$Z_{j,t+j-1} = \frac{\gamma_j}{w_{t+j-1} (1-\tau_{t+j-1})(1-\tau_s)} \quad , \quad Z_{j+1,t+j} = \frac{\gamma_{j+1}}{w_{t+j} (1-\tau_{t+j})(1-\tau_s)} \quad (5)$$

فرض می‌شود که افراد فقط به رفاه خود توجه می‌کنند از این رو، نه ارثی برجا گذاشته و نه ارثی دریافت می‌کنند. این بدان معناست که $a_{1,t} = a_{56,t} = 0$ است. همچنین فرض می‌شود که افراد در هر

دوره با محدودیت بودجه‌ی زیر مواجه هستند:

$$a_{j+1,t+j} = (1+r_{t+j-1}(1-\tau_{t+j-1}))a_{j,t+j-1} + w_{t+j-1}(1-\tau_{t+j-1})(1-\tau_s)H_{j,t+j-1}(1-l_{j,t+j-1}) + PE_{j,t+j-1} + TR_{j,t+j-1} - c_{j,t+j-1} \quad (6)$$

در اینجا $a_{j,t+j-1}$ دارایی‌های مالی نگهداری شده توسط فرد در سن j در سال $t+j-1$ است. در ضمن توجه کنید که موجودی سرمایه انسانی $H_{j,t+j-1}$ برای تمامی افراد یک گروه سنی ثابت فرض می‌شود، اما به دلیل وجود رشد بهره‌وری، برای هر نسل جدید، سطح اولیه‌ی سرمایه انسانی بالاتر خواهد بود. این بدان معنا است که هر نسل جدید متولد شده نسبت به گروه سنی قبل، موجودی سرمایه‌ی انسانی بالاتر با عامل ثابت $(1+x)$ خواهد داشت، یعنی: $\frac{H_{1,t+1}}{H_{1,t}} = 1+x$

۲-۳- تجمیع و رفتار بنگاه

با تجمیع مخارج فردی، ثروت و عرضه‌ی نیروی کار در هر دوره‌ای از زمان مصرف ملی، ثروت ملی و نیروی کار کل به دست می‌آید:

$$C_t = \sum_{j=1}^{55} N_{j,t} c_{j,t} \quad (7)$$

$$A_t = \sum_{j=2}^{55} N_{j-1,t-1} a_{j,t} \quad (8)$$

$$L_t = \sum_{j=1}^{55} H_{j,t} N_{j,t} (1-l_{j,t}) \quad (9)$$

که در اینجا، $N_{j,t}$ اندازه، نسل t در سن j است. فرض می‌شود که در هر دوره، t یک بنگاه رقابتی وجود دارد که Y_t واحد کالا بر اساس تابع تولید با دو نهاده، سرمایه K_t و نیروی کار L_t تولید می‌کند:

$$Y_t = F(K_t, L_t)$$

فرض می‌شود که تابع $F: R_+^2 \rightarrow R_+$ فزاینده، به طور پیوسته دوباره مشتق پذیر و مقعر بوده و معرف بازده ثابت نسبت به مقیاس است. همچنین سرمایه به طور کامل در دوره‌ی تولید مستهلک می‌شود. برای راحتی کار تابع تولید به شکل زیر بیان می‌شود:

$$Y_t = K_t^\alpha L_t^{1-\alpha} \quad (10)$$

با فرض اینکه بنگاه در بازار عوامل به شکل رقابتی فعالیت کند، نیروی کار را تا جایی استخدام می‌کند

که تولید نهایی نیروی کار با نرخ دستمزد و سرمایه را تا جایی اجاره می‌کند که تولید نهایی سرمایه با نرخ بهره برابر شود. به عبارت دیگر:

$$w_t = (1 - \alpha) k_t^\alpha \quad (11)$$

$$r_t = \alpha k_t^{\alpha-1} \quad (12)$$

در اینجا k_t موجودی سرمایه سرانه است. با فرض اینکه دولت اقدام به انتشار اوراق قرضه‌ی عمومی به میزان B_t نماید، موجودی سرمایه، بخش خصوصی $K_t = A_t - B_t$ خواهد بود.

۳-۳- دولت

دولت انتقالات به افراد را سازماندهی کرده و مخارج G_t را مصرف می‌کند. برای سهولت فرض می‌شود که بهسازی نظام بازنشستگی، هزینه‌ای به دولت تحمیل نمی‌کند. همچنین فرض می‌شود که دولت برای تأمین مالی این مخارج، مالیات بردرآمد را مدنظر قرار داده و با لحاظ، اوراق قرضه عمومی با مسیر پویایی بدهی عمومی به صورت زیر مواجه است:

$$B_{t+1} = B_t(1 + r_t) + G_t + \sum_{j=1}^{55} N_{j,t} TR_{j,t} - \tau_t(r_t A_t + w_t L_t) \quad (13)$$

در عمل چندین روش برای متعادل ساختن محدودیت بودجه، دولت وجود دارد. یک روش آن است که نرخ مالیات برونزا گرفته شود و بدهی عمومی درونزا فرض گردد یا اینکه بدهی عمومی به شکل برونزا در نظر گرفته شود و نرخ مالیات به شکل درونزا تعدیل گردد یا می‌توان هر دو نرخ مالیات و بدهی عمومی را برونزا گرفت و مخارج دولت را به شکل درونزا تعدیل کرد. در این مقاله فرض می‌شود که با معین بودن مسیر برونزای بدهی عمومی و مخارج دولت، محدودیت بودجه، به‌طور سالانه از طریق تغییرات نرخ مالیات بردرآمد تعدیل می‌شود.

توجه کنید که کسورات بازنشستگی در محدودیت بودجه دولت لحاظ نشده است، زیرا با فرض یک نظام تأمین اجتماعی پرداخت جاری، صرف مسئولیت دولت، مدیریت این نظام است؛ به عبارت دیگر، دولت کسورات بازنشستگی افراد جوان را جمع‌آوری کرده و در میان افراد مسن توزیع می‌کند و به دلیل اینکه وجوه جمع‌آوری شده فوراً در هر دوره توزیع می‌شود، هیچ اثری بر محدودیت بودجه دولت ندارد. بنابراین، حقوق بازنشستگی هر فرد مسن تحت نظام پرداخت جاری، عبارت است از:

$$PE_{j,t} = \frac{PE_t}{\sum_{j=31}^{55} N_{j,t}}, \quad j = 31, \dots, 55 \quad (14)$$

که در اینجا PE_t کل کسورات بازنشتی است که از افراد جوان (یا شاغل) در دوره t اتخاذ می شود.

$$PE_t = \tau_s (1 - \tau_t) w_t L_t \quad (۱۵)$$

۳-۴- جامعه با نظام بازنشتی اندوخته ی کامل

در نظام بازنشتی اندوخته ی کامل، دولت کسورات تأمین اجتماعی را دریافت نمی کند و دراتهای دوره ی انتقال به هیچ وجه مسئول پرداخت حقوق های بازنشتی نخواهد بود. در این نظام بازنشتی، حقوق های بازنشتی افراد مستقیماً به کسورات پرداخت شده به نظام تأمین اجتماعی در طول سال های کاری بستگی دارد. بنابراین حقوق بازنشتی دریافت شده به وسیله ی یک فرد مسن به صورت زیر تعیین می شود:

$$PE_{j,t} = \frac{\sum_{i=1}^{30} (1+r_{-j+i,t})^{30-i+1} \tau_s (1-\tau_{-j+i,t}) w_{-j+i,t} H_{i,-j+i,t} (1-l_{i,-j+i,t})}{25} \prod_{i=31}^j (1+r_{-j+i,t}) \quad , \quad j=31, \dots, 55 \quad (۱۶)$$

معادله ی (۱۶) بیان می دارد که مانده ی انباشته شده در حساب های شخصی در طول سال های کاری (کسورات به اضافه ی پرداخت های بهره) با ارزش حقوق های بازنشتی دریافت شده در طول سال های بازنشتی برابر است و هیچ گونه بازتوزیع بین نسلی وجود ندارد. توجه کنید که تحت این نوع نظام بازنشتی نیز محدودیت بودجه دولت تحت تأثیر قرار نمی گیرد و معادلات (۱) تا (۱۳) کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند، البته صرفاً نحوه ی تأمین مالی حقوق دوران بازنشتی فرد تحت تأثیر می گیرد.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- کالیبره کردن الگوی تدوین شده

هر چند نحوه ی کالیبره کردن الگوهای خرد و کلان اقتصادی اندکی با هم تفاوت دارند، اما در ادبیات اقتصادی چند عمل ساده برای انجام آن لازم است. انتخاب الگو، مشخص نمودن هدف کالیبره کردن، انتخاب شکل تبعی توابع و در نهایت استفاده از پارامترهای تخمین زده شده توسط دیگران یا خود محقق به ترتیب چهار مرحله انجام یک تمرین کالیبره کردن در الگوهای اقتصادی اند (Dawkins et al, 2001). بر اساس روابط ارائه شده، پارامترهای مورد نیاز عبارتند از: نرخ رجحان زمانی (δ)، نرخ مالیات تأمین اجتماعی (τ_s)، کشش جانشینی بین دوره ای (ν)، کشش جانشینی درون دوره ای (ρ)، نرخ رشد بهره وری (x)، نرخ ترجیح استراحت در سن j (γ_j)، سهم سرمایه در تولید (α). پارامترهای مورد استفاده و نحوه ی کالیبره کردن آن ها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. پارامترهای کالیبره شده

نام پارامتر	علامت اختصاری	معیار کالیبره کردن	مقدار عددی
نرخ رجحان زمانی	θ	مطالعه‌ی دین محمدی	۰/۰۱
نرخ رشد نیروی کار	n	مطالعه‌ی دین محمدی	۰/۰۳
نرخ مالیات تأمین اجتماعی	τ_s	سازمان تأمین اجتماعی	۰/۳۳
کشش جانشینی بین دوره‌ای	ν	مطالعه‌ی دو کیور و لیگوس ^۱	۰/۹۵
کشش جانشینی درون دوره‌ای	ρ	مطالعه‌ی دو کیور و لیگوس	۰/۸
نرخ ترجیح استراحت در سن	γ_j	مطالعه‌ی دو کیور و لیگوس	۰/۳ اگر $1 \leq j \leq 30$ ۱ اگر $31 \leq j \leq 55$
نرخ رشد بهره‌وری	x	مطالعه‌ی محقق	۰/۰۲
سهم سرمایه در تولید ^۲	α	مطالعه‌ی محقق	۰/۶

منبع: گردآوری محقق

همچنین فرض می‌شود که دولت سیاست مصرفی‌اش را به صورت نسبت ثابتی از GDP در نظر می‌گیرد. از این رو، براساس داده‌های حساب‌های ملی سال ۱۳۸۶ نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، یعنی: $g = \frac{G}{Y}$ مساوی با ۲۳ درصد اتخاذ شد. به دلیل اینکه فرض بر این است که دولت بودجه را با ثابت نگاه داشتن نسبت بدهی عمومی به GDP تأمین مالی می‌کند از این رو، $g = \frac{B}{Y}$ براساس داده‌های سال ۱۳۸۶ معادل با ۴/۸ درصد است. در نهایت نسبت پرداخت‌های انتقالی دولت به GDP، یعنی: $tr = \frac{TR}{Y}$ مساوی با ۱۱ درصد در محاسبات لحاظ شد.

۴-۲- برآورد الگو

۴-۲-۱- برآورد الگو در جامعه با نظام بازنشستگی پرداخت جاری

شرایط مرتبه اول حداکثرسازی، محدودیت‌های بودجه و شرایط تعادل بازار در سیستم معادلات (۳) تا (۱۳)

1 - Docquier and Liegeois, (2004)

۲- با توجه به اینکه نیروی کار مورد استفاده در تابع تولید (نیروی کار مؤثر) مبتنی بر معادله (۹) است از این رو، برای تعیین سهم سرمایه در تولید، تابع تولید (۱۰) برآورد گردید. همچنین برای محاسبه‌ی سرمایه‌ی انسانی مورد استفاده در تابع تولید، از شاخص (2004)، Tin- Chun Lin استفاده شد.

یک الگوی غیرخطی مقیاس بزرگ را شکل می دهند. فرض کنید S معرف طول شبیه سازی بر حسب دوره، معرف تعداد متغیرهای وابسته $x_{i,t}$ ($t=1, \dots, Y$) و $e_{i,t}$ معرف متغیرهای برونزا و ψ معرف بردار پارامترها باشند. $x_{i,t}$ به q متغیر باوقفه و f متغیر پیش رو وابسته است. از این رو، می توان بردار وضعیت در دوره t را به صورت $x_t = (x_1, \dots, x_{y,t})'$ نوشت.

بنابراین با توجه به فروض مطرح شده، در هر دوره بردار وضعیت متشکل از $y=4*55+7=227$ متغیر درونزا در ۲۲۷ معادله است. به عبارت دیگر:

$$\hat{t} = (a_{1,t}, \dots, a_{55,t}, c_{1,t}, \dots, c_{55,t}, l_{1,t}, \dots, l_{55,t}, Z_{1,t}, \dots, Z_{55,t}, A_t, C_t, K_t, L_t, w_t, r_t, \tau_t)$$

برای هر دوره ی زمانی این y معادله می تواند به شکل صریح نوشته شود:

$$x_{1,t} = g_1(x_{t-q}, \dots, x_t, \dots, x_{t+f}; e; \psi)$$

(۱۷)

$$x_{y,t} = g_y(x_{t-q}, \dots, x_t, \dots, x_{t+f}; e; \psi)$$

همچنین می توان این y معادله را به شکل همگن به صورت زیر نوشت:

$$f_1(x_{t-q}, \dots, x_t, \dots, x_{t+f}; e; \psi) = 0$$

(۱۸)

$$f_y(x_{t-q}, \dots, x_t, \dots, x_{t+f}; e; \psi) = 0$$

با معین بودن مقادیر متغیرهای برونزای $e_{i,t}$ ، پارامترهای ψ ، شرایط اولیه $x_{-q}^*, \dots, x_{-1}^*$ و شرایط نهایی $x_{s+1}^*, \dots, x_{s+f}^*$ مسأله ی شبیه سازی، محاسبه مسیر پویایی تعادل را برای بردار متغیرهای درونزای $x_{i,t}$ به ازای $t = 0, \dots, S$ شامل می شود.

برای برآورد سیستم معادلات مطرح شده سه روش را می توان به کار گرفت:

روش اول: این روش که در اوایل دهه ی ۹۰ به وسیله کوتلیکوف و آیوریخ به کار گرفته شد، یک روش زمان انباشته ی^۱ مبتنی بر تکرارهای گاس-سیدل^۲ است. در این روش، الگوریتم با حدس هایی برای

1 - Stacked-time Method

2 - Gauss-Seidel

زیرمجموعه‌ی محدودی از U متغیر درون‌زا $x_t^{(0)} = (x_{1,t}^{(0)}, \dots, x_{v,t}^{(0)})$ برای هر t تکرار (۰) شروع می‌شود. این زیر مجموعه به گونه‌ای انتخاب می‌شود که دیگر متغیرهای درون‌زا بتوانند به‌طور بازگشتی حل شوند. وقتی جواب‌ها برای حدس‌ها از خود حدس‌ها متفاوت باشند، حدس‌های جدید اعمال می‌شود. با به کار بردن الگوی قابل محاسبه بخش (۳) این تکنیک جای‌گذاری خیلی ساده است. با حدس‌هایی برای L_t به ازای جمع t به‌راحتی می‌توان راه‌حلی برای دستمزد و نرخ بهره به‌دست آورد. سپس قیمت‌های عامل برای حل مخارج مصرفی فردی با به کارگیری معادله (۳) به‌طور پی در پی استفاده می‌شود تا عباراتی برای $C_{j,t+j-1}$ بر حسب $C_{1,t}$ به‌دست آید. با ترکیب این عبارات با محدودیت بودجه‌ی (۲) مقادیر تعادلی برای $C_{1,t}$ و $C_{j,t+j-1}$ به‌طور بازگشتی به‌دست می‌آید. معادلات (۴) عرضه‌ی نیروی کار را تعیین می‌کند. و بالاخره با استفاده از معادله (۶) سبد دارایی هر نسل و در نتیجه موجودی سرمایه به‌دست می‌آید. این روش تکراری آن قدر ادامه می‌یابد تا اقتصاد به وضعیت یکنواخت برسد.

روش دوم: سیستم‌های نرم افزاری منسجمی، الگوریتم نیوتن-رافسون^۱ را برای حل سیستم‌های همزمان خیلی بزرگ با پیش‌بینی‌های کامل پیشنهاد کرده‌اند. ارائه‌ی تکرار حدس‌ها روی ژاکوبین سیستم غیر خطی، سرعت همگرایی به سوی راه‌حل را افزایش و خطر ناکامی را کاهش می‌دهد. تکنیک نیوتن-رافسون گرچه بر حسب همگرایی تکنیک جذابی محسوب می‌شود اما بر حسب محاسبات زیان بار به نظر می‌رسد.^۲

نرم افزار اولیه‌ای که چنین روش تکراری را ارائه می‌داد، مبتنی بر الگوریتم فیر-تیلور^۳ بود. الگوریتم فیر-تیلور الگو را از طریق یک افق زمانی خاص با در نظر گرفتن متغیرهای پیش‌رو به‌صورت برون‌زا برای تعادل موقتی حل می‌کند (تکرارهای نوع اول). سپس تکرار روی پیش‌روها (تکرارهای نوع ۲) به راه‌حل‌های سازگار منتهی می‌شود. برای الگوهای مقیاس بزرگ با متغیرهای پیش‌رو، تکنیک فیر-تیلور ممکن است در همگرایی به راه‌حل‌ها موفق عمل نکند.

روش سوم: این روش جدیدترین تکنیک محاسباتی برای شبیه‌سازی الگوهای غیرخطی خیلی بزرگ با پیش‌بینی کامل است. در این روش، تکنیک نیوتن-رافسون در الگوریتم زمان انباشته پیاده می‌شود. الگوریتم زمان انباشته، معادلات الگو را برای همه‌ی دوره‌های زمانی در فرایند شبیه‌سازی به‌طور

1 - Newton-Raphson Algorithm

۲ - برای آشنایی با تکنیک‌های گاس-سیدل و نیوتن-رافسون به فصول دوم و هشتم روش‌های محاسبات عددی ترجمه توتونیان رجوع شود.

3 - Fair-Taylor Algorithm

همزمان در نظر می گیرد، یعنی:

$$x_{-q} - x_{-q}^* = 0$$

.

$$x_{-1} - x_{-1}^* = 0$$

$$h_1(x_{-q}, \dots, x_0, \dots, x_f; e; \psi) = 0$$

.

$$h_y(x_{-q}, \dots, x_0, \dots, x_f; e; \psi) = 0$$

.

$$h_1(x_{w-q}, \dots, x_s, \dots, x_{s+f}; e; \psi) = 0$$

.

$$h_y(x_{s-q}, \dots, x_s, \dots, x_{s+f}; e; \psi) = 0$$

.

$$x_{s+1} - x_{s+1}^* = 0$$

.

$$x_{s+f} - x_{s+f}^* = 0$$

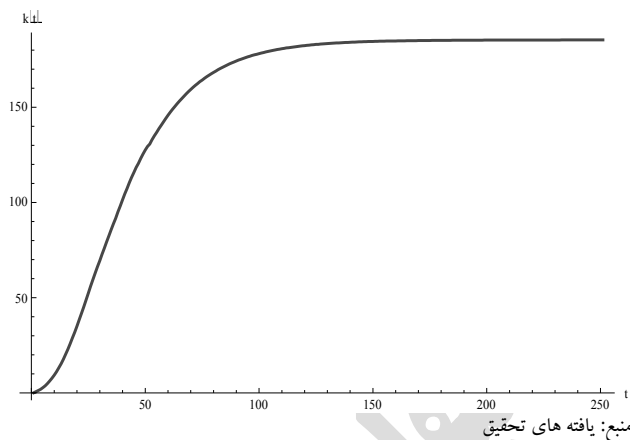
(۱۹)

این سیستم انباشته می تواند به صورت $F(X) = 0$ و $X = (x_{-q}, \dots, x_f, \dots, x_{s+f})'$

نوشته شده و به طور تکراری حل شود. در هر مرحله، بردار X تعدیل گشته و در معرض تطبیق نیوتن-رافسون قرار می گیرد، یعنی: $\Delta X = \left(\frac{\partial F}{\partial X}\right)^{-1} F(X)$. ماتریس ژاکوبین چنین مسأله ای ابعاد بزرگی داشته و دارای ساختار قطری-بلوکی تکراری است.

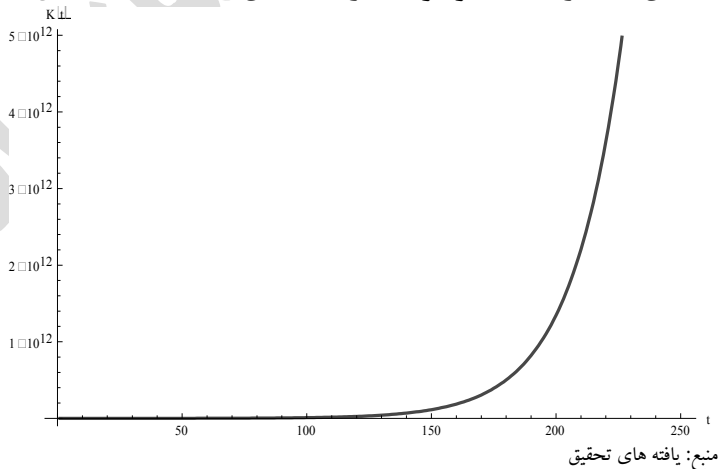
در مقاله ای حاضر به دلیل عدم دسترسی به بسته ی نرم افزاری مناسب برای پیاده سازی روش های دوم و سوم، به ناچار از روش اول برای کالیبره کردن الگوی مطرح شده استفاده گردید. با کاربست روش اول بر روی الگوی نسل های همپوشان ۵۵ دوره ای می توان برآوردی از مسیر بهینه ی موجودی سرمایه ی سرانه، مصرف کل، تولید کل، موجودی سرمایه ی کل، نسبت سرمایه به تولید، نرخ دستمزد و سرانجام نرخ بهره داشت.

شکل ۱. مسیر بهینه‌ی موجودی سرمایه سرانه (واحد: هزار ریال)

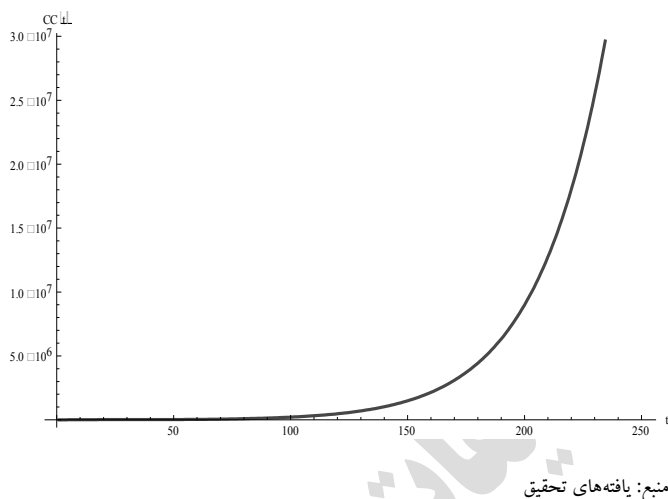


شکل (۱) نشان دهنده‌ی مسیر بهینه‌ی موجودی سرمایه‌ی سرانه در طی زمان است. چنان‌که از شکل (۱) ملاحظه می‌شود، پیش‌بینی مدل حاکی از آن است که موجودی سرمایه‌ی سرانه از یک روند صعودی برخوردار است. بدین ترتیب که ابتدا با نرخ فزاینده و سپس با نرخ کاهنده افزایش می‌یابد تا به وضعیتی یکنواخت برسد.

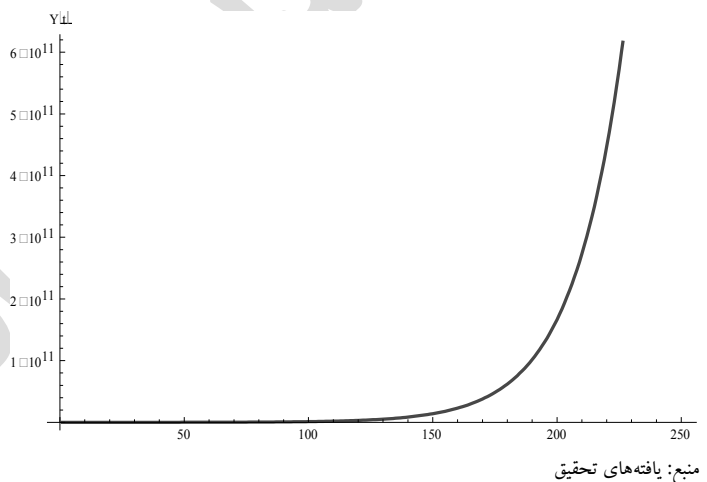
شکل ۲. مسیر بهینه‌ی موجودی سرمایه‌ی کل (واحد: میلیارد ریال)



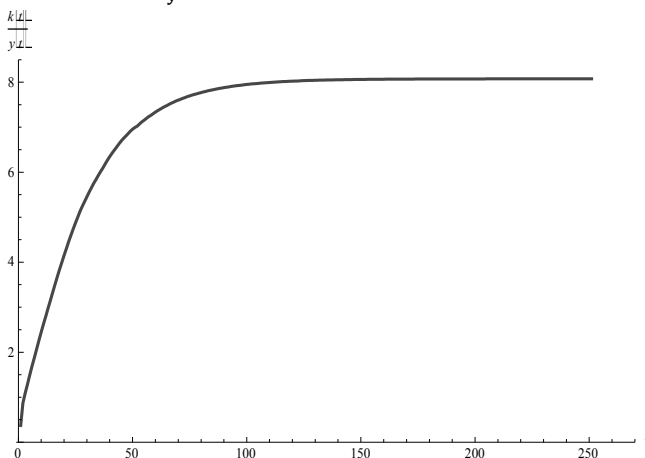
شکل ۳. مسیر بهینه مصرف کل (واحد: میلیارد ریال)



شکل ۴. مسیر بهینه تولید کل (واحد: میلیارد ریال)



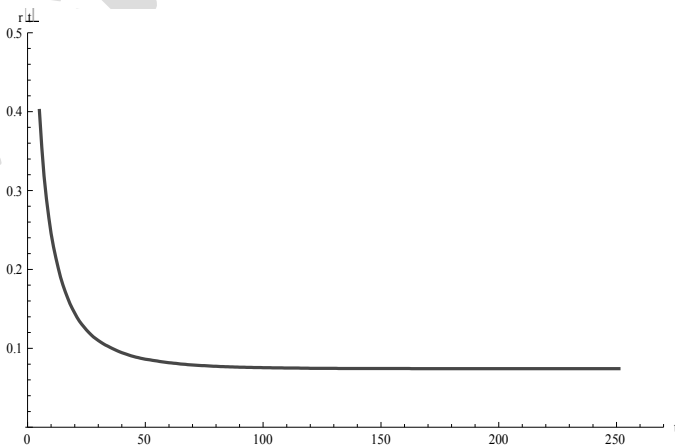
شکل های (۲)، (۳) و (۴) مسیرهای بهینه موجودی سرمایه ی کل، مصرف کل و تولید کل را نشان می دهند. بر اساس پیش بینی مدل هر سه متغیر از یک روند صعودی برخوردار بوده و با نرخ فزاینده ای رشد می کنند.

شکل ۵. مسیر بهینه‌ی نسبت $\frac{k}{y}$ 

منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۵)، معرف مسیر بهینه نسبت $\frac{k}{y}$ در طی ادوار مختلف زمانی است. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد که روند افزایش موجودی سرمایه سرانه سبب شده است که این متغیر نیز دارای روندی صعودی بوده به‌طوری‌که با نرخ کاهنده افزایش می‌یابد و بالاخره بعد از گذشت چندین دوره‌ی زمانی به وضعیت یکنواخت می‌رسد.

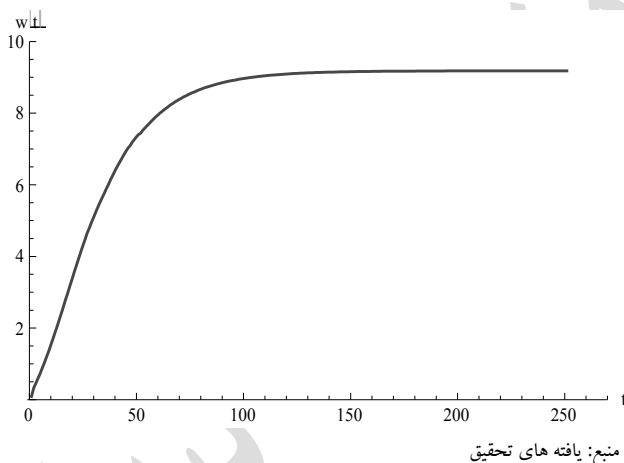
شکل ۶. مسیر بهینه‌ی نرخ بهره



منبع: یافته‌های تحقیق

مسیر بهینه‌ی زمانی نرخ بهره در شکل (۶) نشان داده شده است. بر مبنای مندرجات مزبور ملاحظه می‌شود، با توجه به رابطه معکوس نرخ بهره و موجودی سرمایه‌ی سرانه، روند صعودی موجودی سرمایه‌ی سرانه سبب شده است که نرخ بهره روند کاهشی داشته باشد به طوری که ابتدا نرخ بهره به شدت کاهش یافته و بعد از گذشت تقریباً ۵۰ دوره به وضعیت ثابتی می‌رسد.

شکل ۷. مسیر بهینه‌ی نرخ دستمزد



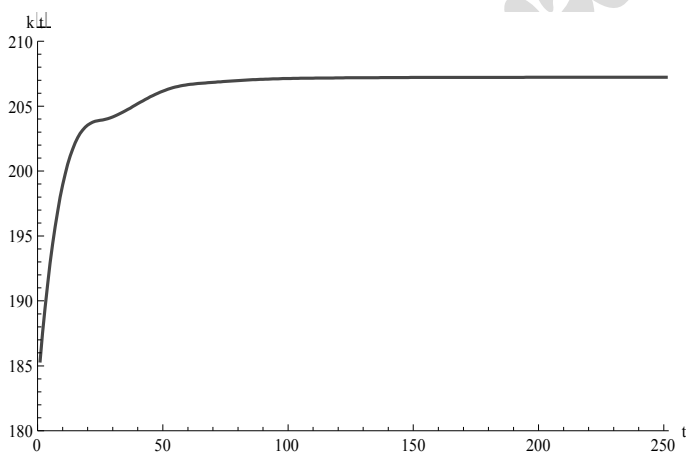
شکل (۷) نمایانگر مسیر بهینه‌ی زمانی نرخ دستمزد است. با توجه به رابطه‌ی مثبت نرخ دستمزد و موجودی سرمایه‌ی سرانه، افزایش موجودی سرمایه‌ی سرانه سبب می‌شود که نرخ دستمزد نیز یک روند صعودی داشته باشد، البته این روند افزایشی با نرخ کاهنده خواهد بود تا به وضعیت یکنواخت برسد.

۴-۲-۲- انتقال از نظام بازنشستگی پرداخت جاری به نظام بازنشستگی اندوخته کامل

فرض کنید اقتصاد در وضعیت یکنواخت نظام بازنشستگی پرداخت جاری است، در این وضعیت دولت اقدام به معرفی نظام بازنشستگی اندوخته‌ی کامل می‌نماید. در نظام بازنشستگی اندوخته‌ی کامل نیز هنوز افراد متعهد به سپرده گذاری نسبت τ_s از درآمد کاری‌شان هستند، به طوری که کسورات بازنشستگی هر فرد در حساب شخصی وی سپرده گذاری می‌شود. در سنین بازنشستگی، افراد کل کسورات پرداختی را به همراه پرداخت‌های بهره دریافت می‌کنند (فرض بر این است که نرخ بهره کسورات بازنشستگی با نرخ

بازده سرمایه مساوی است). بنابراین می‌توان گفت که در این نظام بازنشتی میزان حقوق بازنشتی هر فرد فقط به میزان کسورات پرداختی و میزان مشارکت وی بستگی دارد. به عبارت دیگر، مانده‌ی انباشته شده در حساب‌های شخصی در طول سال‌های کاری (کسورات به اضافه پرداخت‌های بهره) با ارزش حقوق‌های بازنشتی دریافتی در طول سال‌های بازنشتی برابر است. با تعیین مقادیر واقعی برای پارامترها و انجام شبیه‌سازی با استفاده از روش تکراری گاس-سیدل می‌توان راه‌حل‌های عددی را برای این انتقال به دست آورد.

شکل ۸. مسیر بهینه‌ی موجودی سرمایه‌ی سرانه (واحد: هزار ریال)

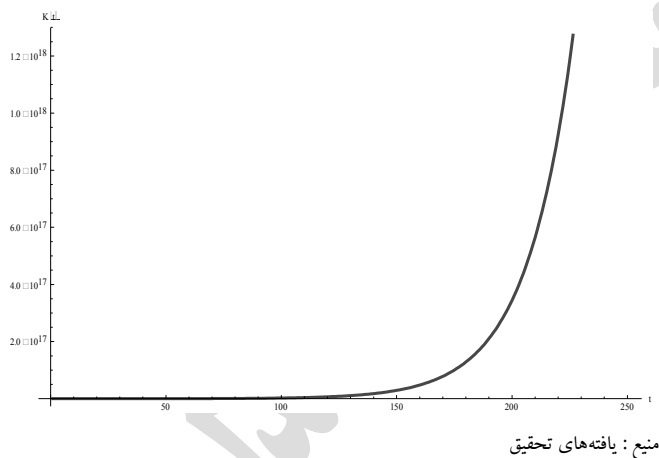


منبع: یافته‌های تحقیق

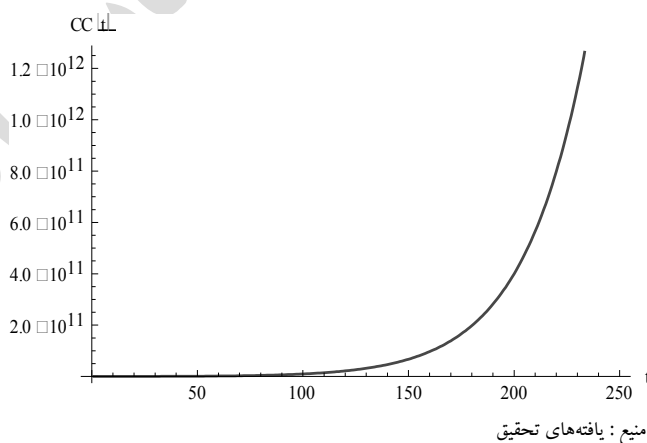
نمودار (۸) تکامل تدریجی موجودی سرمایه فیزیکی سرانه را در امتداد انتقال بین هر دو نظام بازنشتی نشان می‌دهد. چنان‌که از شکل می‌توان ملاحظه کرد، سطح وضعیت یکنواخت سرمایه از ۱۸۵/۴ نظام پرداخت جاری به ۲۰۷/۲۳ نظام اندوخته‌ی کامل رسیده است. این بدان معناست که سطح وضعیت یکنواخت سرمایه در نظام اندوخته‌ی کامل ۱۱/۸ درصد بالاتر از سطح وضعیت یکنواخت سرمایه در نظام پرداخت جاری است. این نتیجه دقیقاً با مبانی نظری موجود در خصوص عملکرد دو نظام بازنشتی سازگار است. در واقع، افزایش در موجودی سرمایه مبین آن است که اکنون کسورات نظام تأمین اجتماعی قسمتی از فرایند انباشت سرمایه را تشکیل می‌دهد. این امر تفاوت کلیدی بین نظام بازنشتی پرداخت جاری و اندوخته‌ی کامل است، زیرا دولت به جای

استفاده از درآمدهای نظام تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق بازنشستگی به افراد مسن جاری، این کسورات را به عنوان سرمایه در هر دوره سرمایه گذاری می کند. از این رو، کسورات پرداختی به نظام تأمین اجتماعی نیز در فرایند انباشت سرمایه اقتصاد لحاظ می شود.

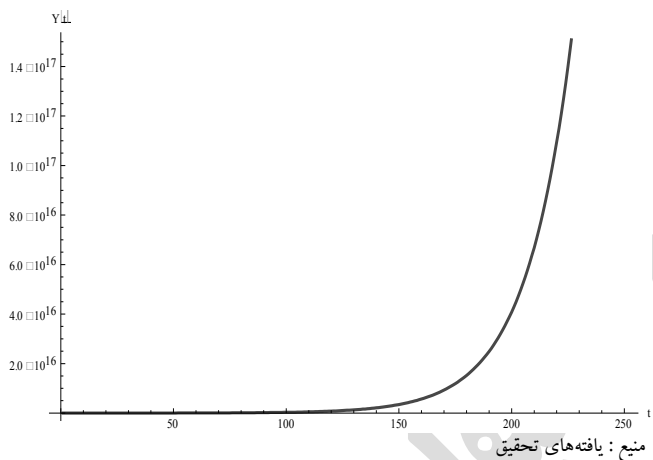
شکل ۹. مسیر بهینه ی موجودی سرمایه کل (واحد: میلیارد ریال)



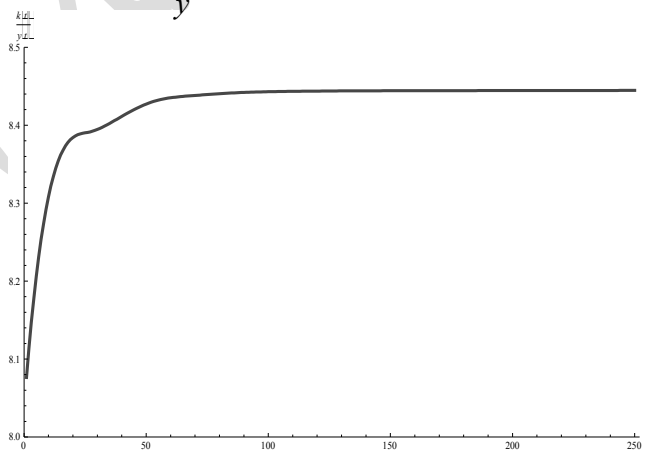
شکل ۱۰. مسیر بهینه ی مصرف کل (واحد: میلیارد ریال)



شکل ۱۱. مسیر بهینه‌ی تولید کل (واحد: میلیارد ریال)

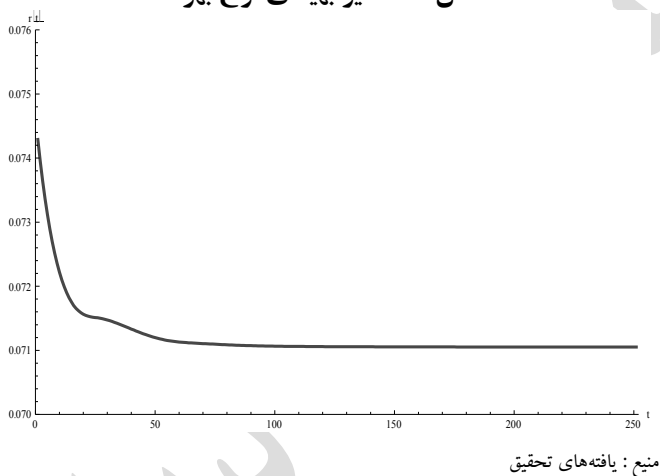


شکل‌های (۹)، (۱۰) و (۱۱) مسیرهای بهینه زمانی تکامل تدریجی موجودی سرمایه‌ی کل، مصرف کل و تولید کل را بعد از انتقال نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود هر سه متغیر با یک نرخ فزاینده در حال رشد هستند و در سطحی بالاتر از مسیرهای بهینه‌ی متناظر در نظام بازنشتی پرداخت جاری قرار دارند.

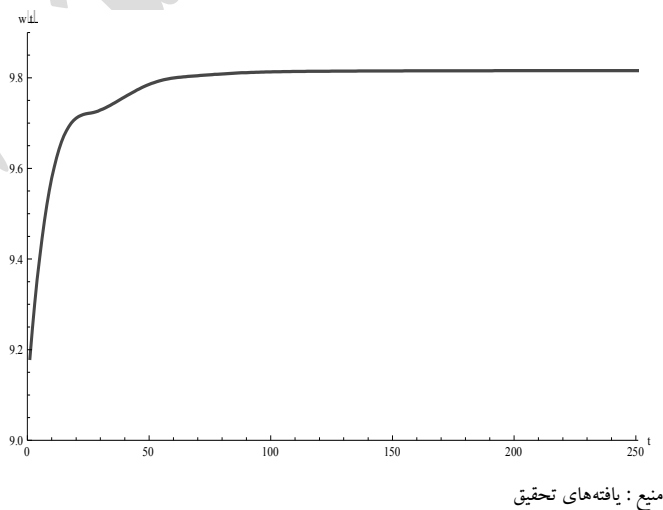
شکل ۱۲. مسیر بهینه نسبت $\frac{k}{y}$ 

شکل (۱۲) تکامل تدریجی نسبت $\frac{k}{y}$ را در طی فرایند انتقال نشان می دهد. محاسبات انجام شده حاکی از آن است که سطح وضعیت یکنواخت نسبت سرمایه به تولید در نظام اندوخته ی کامل $4/5$ درصد بالاتر از سطح وضعیت یکنواخت آن در نظام پرداخت جاری است که این خود مهر تأییدی بر صحت نظری موجود در خصوص عملکرد نظام بازنشتگی اندوخته ی کامل است.

شکل ۱۳. مسیر بهینه ی نرخ بهره

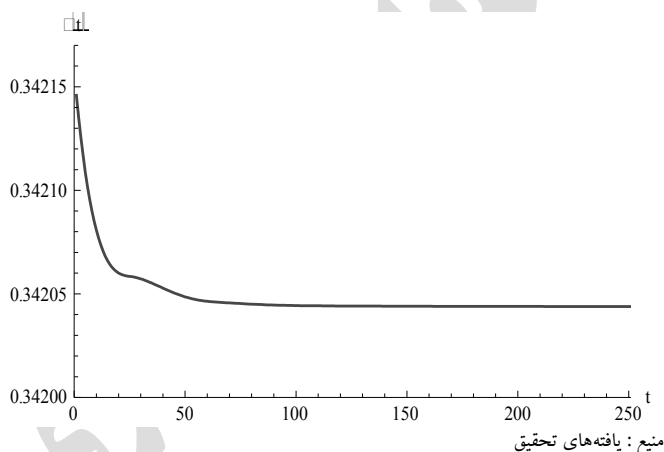


شکل ۱۴. مسیر بهینه ی نرخ دستمزد



نمودارهای (۱۳) و (۱۴) به ترتیب تکامل تدریجی نرخ‌های بهره و دستمزد را در طول فرایند انتقال نشان می‌دهند. سطوح بالاتر موجودی سرمایه‌ی فیزیکی بدین معناست که نرخ‌های بهره پایین‌تر و نرخ‌های دستمزد بالاتر هستند. از این رو، با توجه به روابط مطرح شده انتظار این است که افزایش موجودی سرمایه‌ی سرانه نرخ بهره را کاهش و نرخ دستمزد را افزایش دهد که شواهد تجربی این موضوع را تأیید می‌کنند، زیرا میزان کاهش نرخ بهره در وضعیت یکنواخت اندوخته‌ی کامل در مقایسه با وضعیت یکنواخت پرداخت جاری ۴ درصد و میزان افزایش نرخ دستمزد در وضعیت یکنواخت اندوخته کامل در مقایسه با وضعیت یکنواخت پرداخت جاری ۷ درصد می‌باشد.

شکل ۱۵. مسیر بهینه‌ی نرخ مالیات بر درآمد



و در نهایت نمودار (۱۵) تکامل تدریجی نرخ مالیات بر درآمد را طی فرایند انتقال بین دو نظام بازنشستگی نشان می‌دهد. شواهد حاکی از آن است که افزایش موجودی سرمایه، سرانه‌ی نرخ مالیات بر درآمد را در وضعیت یکنواخت جدید به میزان ۰/۰۳ درصد در مقایسه با وضعیت یکنواخت اولیه کاهش می‌دهد^۱.

۱ - تحلیل حساسیت پارامترهای نرخ رجحان زمانی و نرخ رشد نیروی کار بر روی مسیر بهینه‌ی متغیرها حاکی از آن است که الگوی نسل‌های همپوشان نسبت به افزایش نرخ رجحان زمانی حساسیت چندانی نداشته اما نسبت به افزایش نرخ رشد نیروی کار حساسیت شدیدی نشان می‌دهد. با توجه به محدودیت حجم مقاله از ارائه‌ی شکل‌های مربوطه خودداری گردید.

۵- جمع بندی و پیشنهادها

بعد از کار اولیه ی کوتلیکوف و آیورباخ (۱۹۸۷)، الگوی نسل های همپوشان ۵۵ دوره ای ابزار خیلی مطلوبی برای مطالعات کمی در اقتصادهای کلان، مالیه عمومی، اقتصادهای محیط زیست و دیگر زمینه ها شدند. با این حال، مشکلات موجود در برآورد این الگوها به صورت عددی و تحلیل خواص پایدار آنها سبب شده که تنها گروه اندکی از محققان به فرصت های ارائه شده به وسیله ی الگوهای قابل محاسبه نسل های همپوشان توجه کنند. از این رو، در پژوهش حاضر با توجه به قابلیت بالای الگوهای نسل های همپوشان ۵۵ دوره ای به شبیه سازی و برآورد این الگوها با رویکرد بهسازی نظام بازنشتگی پرداخته شد.

یک مشخصه ی عمومی تأمین اجتماعی، توزیع مجدد درآمد هم در زمینه ی افقی (بین ثروتمندان و فقرا) و هم در زمینه ی عمودی (بین نسل ها) ست. یکی از ابزارهای نهاد تأمین اجتماعی جهت بازتوزیع درآمد، نظام های بازنشتگی هستند. امروزه نظام های بازنشتگی بر اساس ماهیت خود، نه تنها مؤثرترین عامل در چگونگی عملکرد نظام های تأمین اجتماعی تلقی می شوند، بلکه برای غالب کشورهای بزرگ ترین بنیادهای اقتصادی غیربانکی به حساب می آیند که نقش مؤثری در انباشت سرمایه ی اقتصاد ایفا می کنند. زیرا چنان که در این مقاله نیز مشاهده شد، میزان ثروت کل (دارایی های کل)، مصرف کل و موجودی سرمایه ی اقتصاد مستقیماً با انتقال از نظام پرداخت جاری به نظام اندوخته ی کامل و ایجاد حساب های پس انداز فردی افزایش یافته که خود این مسأله می تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی و تولید ملی گردد (نمودارهای ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱). افزایش در موجودی سرمایه بعد از انتقال مبین آن است که اکنون کسورات پرداختی به نظام تأمین اجتماعی اندوخته ی کامل، قسمتی از فرایند انباشت سرمایه را تشکیل می دهد. زیرا دولت به جای استفاده از درآمدهای نظام تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق بازنشتگی به افراد مسن جاری، این کسورات را به عنوان سرمایه در هر دوره سرمایه گذاری می کند. از این رو، کسورات پرداختی به نظام اندوخته ی کامل برخلاف نظام پرداخت جاری در فرایند انباشت سرمایه اقتصاد لحاظ می شود. از طرف دیگر با انتقال به نظام اندوخته ی کامل، انباشت کسورات بازنشتگی در حساب های شخصی افراد که قابلیت سرمایه گذاری در زمینه های مختلف را دارند، می تواند منجر به توسعه بازارهای مالی گردد. زیرا در طراحی نظام بازنشتگی اندوخته ی کامل، نهادهای بازنشتگی با مشارکت در فرایند انباشت سرمایه به صورت نهاد مالی عمل می کنند.

همچنین، مکانیسم های انگیزشی موجود در نظام بازنشتگی اندوخته ی کامل دارای اثرات بالقوه ای بر بازار کار است. زیرا در این نظام بازنشتگی، نه تنها میزان بهره مندی افراد از مستمری های بازنشتگی

متناسب با میزان مشارکت آن‌ها با نظام بازنشستگی است، بلکه همچنین افراد از دریافتی‌های نیروی کار بالاتر در طی سال‌های کاری در قیاس با نظام بازنشستگی پرداخت جاری برخوردار هستند (نمودارهای ۱۳ و ۱۴). از این رو، می‌توان اذعان کرد که در نظام بازنشستگی اندوخته‌ی کامل افراد به منظور برخورداری از مزایای بیشتر انگیزه‌ی بالایی برای ماندن در بازار کار دارند.

بنابر آنچه که گفته شد، می‌توان ادعا کرد که انتقال از نظام پرداخت جاری به یک نظام اندوخته‌ی کامل می‌تواند در دستور کار مقامات امر قرار گیرد. گرچه تحلیل حاضر بیشتر در جهت تبیین اثرات اقتصادی انتقال از نظام پرداخت جاری به نظام اندوخته‌ی کامل بوده است، اما عنصر کلیدی گم‌شده در اینجا وجود یک اراده‌ی سیاسی برای تحمل هزینه‌های کوتاه مدت این انتقال به منظور بهره بردن از منافع بلندمدت آن است که در آغاز فرایند انتقال بسیار مهم و حیاتی است.

منابع

- امینی، علیرضا و حاجی محمد، نشاط (۱۳۸۴)، برآورد سری زمانی موجودی سرمایه در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۰.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، اداره بررسی‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
- بلانچارد، اولیویرجین و فیشر، استنلی (۱۳۷۶)، درس‌هایی در اقتصاد کلان، خنایی، محمود و محمدی، تیمور، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، جلد اول، تهران.
- دین محمدی، مصطفی (۱۳۸۷)، ارائه الگویی برای تخصیص بهینه منابع گاز طبیعی ایران، رساله دکترا، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- روغنی زاده، مصطفی و شهریان، نیلوفر (۱۳۸۰). پروژه شناخت سازمان بازنشستگی کشوری (امور بازنشستگی و بازنشستگان)، سازمان بازنشستگی کشوری.
- روغنی زاده، مصطفی (۱۳۸۳)، چالش‌های نظام بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال نهم، شماره ۲۹.
- روغنی زاده، مصطفی (۱۳۸۴)، تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه برای صندوق‌های یاد شده، سازمان بازنشستگی کشوری.
- رومر، دیوید (۱۳۸۳). اقتصاد کلان پیشرفته، تقوی، مهدی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، جلد اول، تهران.

عسگری، احسان (۱۳۸۲). کاربرد و سازگاری الگوی رشد درون زا در اقتصاد ایران: الگو کینگ-ریلو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

قاسمی، مجتبی (۱۳۸۸). بازارهای مالی و توسعه اقتصادی: نگاهی به نقش سیستم های مستمری بر بازارهای مالی و توسعه اقتصادی، سازمان بازنشستگی کشوری.

متیوز، جان اچ (۱۳۷۰). روشهای محاسبات عددی، توتونیان، فائزه، انتشارات خراسان، مشهد.

مرکز آمار ایران، سالنامه های آماری، سال های مختلف.

نیرومند، محمد رضا (۱۳۸۶). معرفی طرحهای بازنشستگی: طرحهای کارفرما-پشتیان، سازمان بازنشستگی کشوری.

- Arrau, Patricio (1990), Social security reform, the capital accumulation and intergenerational distribution effect, PRE Working Paper, WPS 512, The world Bank, October.
- Auerbach, Alan and Laurence.J. Kotlikoff (1987), Dynamic Fiscal Policy, Cambridge University Press.
- Cerda, Rodrigo A. (2007), The chilean pension reform: A model to follow?, Journal of policy Modeling, Vol 30, PP.541-558.
- Dawkins, C., T. N. Srinivasan, and J. Whalley (2001), Calibration, Handbook of Econometrics, Vol.5, PP. 3653-3703.
- Diamond, Peter. and J. Mirrless (1978), A Model of Social Insurance with Variable Retirement, Journal of Public Economics , Vol. 10(3), PP. 295-336.
- Docquier, Frederic & Liegeois, Philippe. (2004), Simulating Computable Overlapping Generations Models with TROLL, Computational Economics, Vol. 23, PP. 1-19.
- Feldstein, Martin (1974), Social security, induced retirement and aggregate capital accumulation, Journal of Political Economic, Vol 82, PP.905-926.
- Feldstein, Martin. and A. Samwick. (1992), Social Security Tax Rules and Marginal Tax Rates, National Tax Journal. Vol. 45, PP. 1-22.
- Feldstein, Martin (1999), Social security pension reform in China, China Economic Review, Vol. 10, PP. 99-107.
- Hubbard, R. Glenn, Jonathan Skinner and Stephen Zeldes (1995), Precautionary Savings and Social Insurance, Journal of Political Economy, Vol. 103(2), PP. 360-99.
- Janssen, Maarten (2006), Microfoundations, Tinbergen Institute Discussion Papers, in the New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd ed.
- Langoni, Patricia S. (1997), Social security regime, growth and income distribution, Economista 19, Gerencia de Analisis Financiero del Banco Central de Chile, 11,
- Samuelson, Paul A. (1958), An exact consumption-loan model of interest with or

- without the social contrivance of money, *Journal of Political Economy*, Vol. 66, PP.467-482.
- Serrano, Carlos (1999), Social security reform , income distribution, fiscal policy and capital accumulation, Finance private sector and infrastructure, Latin America and Caribbean region.
- Sun, Ying (2007), General equilibrium analysis of Chinese social security system in an overlapping generation model, Santa Barbara, California, UMI Research Press.
- Tin-Chun, Lin (2004), Alternative Measure for Education Variable in an Empirical Economic Growth Model: IS Primary Education Less Important? , Full Text Available at: Repec, Vol. 15, PP. 1-6.